

غزه در ویرانه‌ها قرار دارد - اما تنها نیست

غزه در ویرانه‌ها قرار دارد - اما تنها نیست.
همراه با آن، بقایای «هرگز دوباره»،
افسانه ارزش‌های غربی،
تک‌های حقوق بین‌الملل،
و تصویر شکسته‌شده اسرائیل در چشم‌های جهان قرار دارند.

غزه در ویرانه‌ها قرار دارد

تخریب فیزیکی غزه به یکی از تصاویر تعیین‌کننده زمان ما تبدیل شده است: محله‌های کامل به خاک تبدیل شده‌اند، بیمارستان‌ها به گورستان بدل گشته‌اند، خانواده‌ها از ثبت‌های مدنی محو شده‌اند. فراتر از آمارها، تراژدی عمیق‌تری نهفته است - محو پیوستگی، فرهنگ و زندگی روزمره. ویرانه‌های غزه صرفاً محصول جنگ نیستند؛ آنها نتیجه دهه‌ها غیرانسانی‌سازی و محاصره‌اند، فاجعه‌ای با حرکت آهسته که جهان با چشمان خسته و خشم رو به زوال نظاره‌گر آن بوده است.

ویرانه‌ها نه تنها از بمباران سخن می‌گویند، بلکه از رها شدن - از مردمی که در جغرافیای ناامیدی گرفتار شده‌اند.

بقایای «هرگز دوباره»

«هرگز دوباره» زمانی یک سوگند اخلاقی بود - تعهدی جهانی که پس از نسل‌کشی شکل گرفت. اما در غزه، این کلمات توخالی به نظر می‌رسند. درس هولوکاست قرار بود بشریت را به دفاع از همه زندگی‌ها متعهد کند، نه اینکه توسط یک ملت مصادره شود یا برای توجیه رنج دیگران استفاده گردد.

وقتی همان جهانی که قسم خورد جلوی جنایات جمعی را بگیرد، در حالی که این جنایات به صورت زنده روی صفحه‌ها نمایش داده می‌شود، چشم خود را می‌بندد، هرگز دوباره دیگر وعده‌ای نیست، بلکه یک یادگار است - چیزی که به جای باور، سوگواری می‌شود.

افسانه ارزش‌های غربی

برای دهه‌ها، ملت‌های غربی خود را نگهبانان دموکراسی، آزادی و حقوق بشر معرفی کرده‌اند. اما واکنش به غزه یک اخلاق‌گزینی را آشکار کرده است: یک معیار برای متحدان، و معیاری دیگر برای بقیه. دولت‌هایی که از «نظم مبتنی بر قوانین» سخن می‌گویند، محاصره و گرسنگی را تأیید کرده‌اند؛ آنهایی که ادعای دفاع از آزادی دارند، اعتراضات را جرم‌انگاری کرده و صدای مخالفان را خاموش کرده‌اند.

در ویرانه‌های غزه، افسانه ارزش‌های غربی با حسابرسی خود روبرو می‌شود. آنچه باقی می‌ماند، آرمان‌ها نیستند، بلکه منافع‌اند - ژئوپلیتیکی، اقتصادی، انتخاباتی. واژگان اخلاقی باقی می‌مانند، اما معنا پوسیده است.

تکه‌های حقوق بین‌الملل

وقتی سفیر اسرائیل منشور سازمان ملل را در مجمع عمومی بالا برد و پاره کرد، این بیش از یک ژست بود - نمادی از سیستمی بود که در حال فروپاشی است. حقوق بین‌الملل، که برای محدود کردن قدرت ایجاد شده بود، به کاغذ تقلیل یافته است: وقتی مناسب است به آن استناد می‌شود، وقتی مهم است پاره می‌شود.

جنايات جنگی در زمان واقعی مستند می‌شوند، اما پاسخگویی به آینده‌ای دور موکول شده است. نهادهایی که قرار است عدالت را حفظ کنند، با وتوها و استانداردهای دوگانه فلج شده‌اند. آنچه در تکه‌ها قرار دارد، تنها یک منشور نیست، بلکه اعتبار نظم جهانی است.

تصویر شکسته شده اسرائیل در چشم‌های جهان

اسرائیل زمانی خود را به عنوان یک دموکراسی تحت محاصره معرفی می‌کرد - ملتی که برای بقا می‌جنگد. اما با گسترش تصاویر تخریب غزه، این روایت شکسته شده است. در سراسر جهان، تعداد فزاینده‌ای نه دفاع، بلکه سلطه می‌بینند؛ نه امنیت، بلکه مصونیت از مجازات.

سرمایه اخلاقی که دهه‌ها از اسرائیل محافظت می‌کرد، در حال از بین رفتن است، حتی در میان متحدان سنتی آن. افسانه استثنا - اینکه اسرائیل بالاتر از هنجارهایی است که از دیگران مطالبه می‌کند - بر سنگ‌های غزه شکسته شده است.

نتیجه‌گیری

آنچه در ویرانه‌ها قرار دارد، پس، بیش از یک شهر است. این معماری نظم اخلاقی است - باور به اینکه بشریت یاد می‌گیرد، که قدرت می‌تواند مهار شود، که کلماتی مانند عدالت، قانون و ارزش‌ها هنوز وزن دارند.

غزه آینه عصر ماست. نگاه کردن به آن، یعنی دیدن نه تنها تخریب یک مردم، بلکه فروپاشی وجدان جهان.